

تبیین نقش نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در توسعه حقوق بین الملل

سید قاسم زمانی^{۱*}

محسن قاسمی^۲

چکیده

پیدایش نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به عنوان یکی از ارکان یک سازمان بین المللی در زمینه فیصله اختلافات بین المللی در حوزه تجاری یک تحول و پدیده نوین در حقوق بین الملل محسوب می گردد. این تحول حاصل یک فرایند تکاملی است که از جهات مختلفی ساختار و بدنه نظام حقوق بین الملل و برخی مفاهیم آن را تحت تأثیر قرار داده و موجب گسترش آن از حیث اجرای مقررات حقوق بین الملل در میان تابعان بیشتری از حقوق بین الملل و از حیث توسعه برخی نهادهای حقوق بین الملل در حوزه ساختاری این نظام گردیده است. نهاد مذکور، مبتکر آیین جدیدی در روش حل اختلاف در نظام حل اختلافات بین المللی به طور کلی و در حوزه حل اختلافات تجاری، به طور خاص گردیده که در مجموعه‌ی نظام حقوق بین الملل بی نظیر می باشد. این نهاد، از یک سو، به منزله یک بازیگر فعال در ساختار کلی نظام حقوق بین الملل و به مثابه یک مرکز دیپلماتیک، با توسعه صلاحیت اجباری میان اعضای سازمان، نقش موثری در گسترش حقوق بین الملل در حوزه حل اختلافات بین المللی ایفاء نموده و از دیگر سو، این نهاد با ارکان و عملکرد منحصر به خود، چند مرحله‌ای کردن رسیدگی‌ها، زمان بندی مراحل رسیدگی، دقت و سرعت در حل و فصل اختلافات بین المللی، این نظام را توسعه داده و اجرای آرا نهاد حل اختلاف را تضمین نموده است.

واژگان کلیدی: نهاد حل اختلاف، سازمان تجارت جهانی، رژیم های بین المللی

۱۸۳

10.22034/ir.2022.334439.2162



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین الملل،

دوره دوازدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و پنج،

تابستان ۱۴۰۱

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

* zamani@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای حقوق بین الملل پردیس، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، واحد

تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۳

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و پنج، صص ۲۱۱-۱۸۳

مقدمه

واژه توسعه به معنای رشد تدریجی در جهت قدرتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. منظور از مفهوم توسعه در این مقوله فرآیندی است که باعث می‌شود حقوق بین‌الملل تحت تأثیر یک سری عوامل به حوزه‌های جدید وارد شده و آن‌ها را به نظم کشیده و وارد قلمرو خود نماید. اگر چه، نظام حقوق بین‌الملل فاقد یک رکن متمرکز قانونگذاری است که بتواند در راستای توسعه‌ی خود به وضع قاعده بپردازد ولی نظام مزبور متشکل از بازیگرانی است که با وضع قاعده، دامنه اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را به قلمروهای نو گسترش می‌دهند. به عبارت دیگر، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بازیگران اصلی عرصه حقوق بین‌الملل هستند که از طریق موافقت‌نامه‌ها و یا اسنادی به ایجاد قاعده در حوزه خاص خود که بالتبع، حوزه حقوق بین‌الملل عام محسوب می‌شود؛ می‌پردازند و از این طریق موجب توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه‌های جدید می‌گردند. بر این اساس، نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده یک سازمان بین‌المللی از این پروسه مستثنی نبوده و می‌تواند در جریان توسعه حقوق بین‌الملل اثر گذار باشد. از این رو، تحقیق حاضر در پی یافتن زمینه‌های اثر گذاری نهاد مذکور در فرآیند توسعه حقوق بین‌الملل می‌باشد. در نگاه اول، شاید انتظار توسعه حقوق بین‌الملل از نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که ماهیت آن به عنوان یک نهاد شبه قضایی در نظام حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود انتظاری عبث و بیهوده باشد زیرا، وظیفه‌ای که برای این نهاد پیش‌بینی گردیده؛ محدود به حل و فصل اختلافات تجاری میان اعضاء سازمان می‌باشد. این نهاد در فرآیند حل و فصل اختلافات نمی‌تواند تعهد جدیدی برای اعضاء ایجاد نماید و یا تعهدات قانونی آنها را کاهش دهد. این در حالی است که مفهوم توسعه، متضمن یک نوآوری و پیمایش حوزه‌های جدید و به نظم در آوردن قواعد حاکم بر این حوزه‌ها می‌باشد. با این حال، نهاد حل اختلاف با وجود محدودیت‌های مذکور چگونه می‌تواند در این روند مشارکت نماید؟ آیا وظیفه نهاد حل اختلاف صرفاً محدود به حل اختلاف و شفاف سازی قواعد

مورد اختلاف است و یا اینکه نهاد مزبور می‌تواند فراتر از حل اختلاف و با انجام تفسیرهای پویا در این راستا مشارکت داشته باشد؟ با این توصف، مسئله‌ای که در وهله اول مطرح می‌شود این است که نهاد حل اختلاف به تبعیت از سازمان جهانی تجارت، علی‌رغم داشتن قواعد اولیه و ثانویه‌ی مربوط به خود، جدای از نظام حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود یا اینکه نهاد مزبور در قالب سازمان جهانی تجارت، بخشی از ساختار کلی مجموعه نظام حقوق بین‌الملل عام محسوب می‌شود تا بتوان به وجود محلی برای تأثیر گذاری آن در فرآیند توسعه حقوق بین‌الملل عام قائل شد. به هرروی، نوشتار حاضر در صدد است تا ضمن پاسخ به مسئله‌ی مزبور به این پرسش پاسخ دهد که نهاد حل اختلاف در فرآیند توسعه ساختاری حقوق بین‌الملل چه نقشی دارد و این نقش چگونه و در چه مواردی به منصفه ظهور رسیده است. فرضیه‌ی مورد تحلیل در مقاله حاضر این است که نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، به عنوان بخشی از ساختار کلی نظام حقوق بین‌الملل عام، در فرآیند حل و فصل اختلافات میان اعضا، در رویه به توسعه حقوق بین‌الملل مبادرت ورزیده است. بررسی نقش نهاد مذکور در توسعه حوزه ساختاری حقوق بین‌الملل با ابتناء بر روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای موضوع مقاله حاضر می‌باشد. به این منظور، ابتدا به تبیین دیدگاه‌های نظری راجع به نقش مراجع قضایی در توسعه حقوق بین‌الملل خواهیم پرداخت سپس با تبیین رویکرد نهاد حل اختلاف به دیدگاه‌های مذکور، جایگاه نهاد حل اختلاف در نظام حقوق بین‌الملل و زمینه‌های متأثر از نقش این نهاد در روند توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل با تمرکز بر ساختار و ساختمان نظام مذکور، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

رهیافت نظری

به طور کلی جنبه نظری بحث بر دو دیدگاه خود محدود سازی و کنشگری قضایی در توسعه حقوق بین‌الملل متمرکز است (حبیبی و شاملو، ۱۳۹۲: ۷۴). بنابر دیدگاه خود محدود سازی قضایی، وظیفه‌ی مرجع قضایی یک وظیفه خاص بوده و آن هم محدود به حل و فصل اختلافات مطروحه در چارچوب اساسنامه و از طریق اعمال قواعد قابل اعمال می‌باشد در حالی که مطابق دیدگاه کنشگری قضایی، وظیفه مراجع قضایی فراتر از این بوده و در برگیرنده نقشی است که اینگونه مراجع در توسعه حقوق بین‌الملل

ضمن حل و فصل اختلافات مطروحه ایفاء می‌نمایند. بر این اساس، مراجع مذکور به برکت آراء و تصمیمات خود در جریان حل اختلافات مطروحه از طریق تفسیر قضایی به ایجاد و خلق قواعدی می‌پردازند که متضمن توسعه حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند (حبیبی و شاملو، ۱۳۹۲: ۷۹). از این منظر، اینگونه مراجع، نقش برجسته‌ای در توسعه ساختار و محتوای حقوق بین‌الملل ایفاء می‌نمایند. به عنوان مثال، ظهور قاعده «تعهدات عام الشمول» در حقوق بین‌الملل مرهون رأی دیوان بین‌المللی دادگستری است (Zarbiyev, 2012: 248). از آنجایی که پذیرش صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی توسط دولت‌ها در حقوق بین‌الملل مبتنی بر رضایت آنهاست و لذا اختیار عمل اینگونه مراجع در فرآیند حل اختلاف نیز محدود به همین رضایت بوده و خروج از آن مجاز نمی‌باشد. صلاحیت اجباری نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ناشی از رضایت دولت‌هاست. در نتیجه، صلاحیت نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در حل اختلافات مطروحه محدود و مقید به اختیاراتی است که به وسیله دولت‌ها به این نهاد داده شده و ملتزم به آن گردیده است. از یک سو، خروج مرجع حل اختلاف از حدود اختیارات تفویضی و ایجاد تعهد خارج از اختیارات خود در فرآیند حل اختلاف برای طرفین دعوا مجاز نمی‌باشد. از دیگر سو، مرجع مزبور به عنوان مرجع حل اختلاف، دارای اختیارات لازم برای تبیین و شفاف‌سازی قواعد مورد اختلاف طرفین از طریق تفسیر می‌باشد. با این وجود، اختیار مرجع حل اختلاف، به حل اختلاف مطروحه - نه، به وضع و ایجاد قاعده - محدود می‌باشد. با این حال، مسئله نظری مورد بحث در مقوله حاضر هم منبعث از این دیدگاه‌های نظری بوده و در صدد است تا با تبیین رویکرد نهاد حل اختلاف در این راستا، نگاه دکترین، رویکرد تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف به عنوان سند موجد نهاد حل اختلاف و همچنین رویه نهاد حل اختلاف را مورد بررسی قرار داده تا معلوم نماید که نهاد مزبور علی‌رغم معین بودن اختیاراتش، چگونه می‌تواند در توسعه حقوق بین‌الملل مشارکت کند.

نگاه دکترین

از نگاه دکترین یکی از توقعاتی که از نهاد حل اختلاف در حوزه تجارت بین‌الملل مطرح می‌باشد راجع به مطالباتی است که در زمینه سیاست بین‌المللی محیط زیست،

حداقل استانداردهای کار، و سایر مقررات نظارتی اجتماعی عنوان گردیده است. در حیطه سازمان جهانی تجارت تنظیم این مقررات از طریق تدوین توافق نامه‌های جدید با استفاده از رویه‌های سیاستگذاری شورای عمومی و یا از طریق کنشگری قضایی رکن استیناف، به عنوان ارگان قضایی و دارای اختیار تفسیر موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت، ممکن می‌باشد (Kelly, 2001: 353). کارکرد رکن حل اختلاف از این حیث ناشی از اصرار بر وارد کردن ارزش‌های غیر تجاری در رژیم تجاری است که این خود محصول توسعه در دو زمینه می‌باشد. یکی تحول در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که با پیش بینی صلاحیت اجباری نهاد حل اختلاف و به عنوان شرط عضویت در سازمان جهانی تجارت، یک فرصت را برای حل اختلافات بین‌المللی بر مبنای قواعد حقوقی - تا مبتنی بر یک رژیم مبتنی بر قدرت- فراهم آورده است و دیگری مربوط به فقدان اراده سیاسی دولت‌ها برای رفع نظام مند مشکلات بین‌المللی از قبیل مشکلات زیست محیطی و نقض حقوق بشر می‌باشد که دولت‌ها بر خلاف سایر تعهدات قراردادی خود، فاقد عملکرد صریحی برای انطباق یا شفاف سازی اعمال تجاری یک جانبه خود با معیارهای بین‌المللی می‌باشند. بار مسئولیت پر کردن این خلاء به عهده نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت قرار گرفته است. نهاد مذکور از طریق به کار گیری قواعد عرفی و سایر قواعد حقوق بین الملل از یک طرف و با استفاده از مسئله تفسیر خلاق از طرف دیگر، این خلاء را پر می‌نماید (Kelly, 2001: 356).

رویکرد تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف

برابر بند ۲ ماده ۳ تفاهم نامه مزبور که در ماده ۱۹ تفاهم نامه نیز مجدداً مورد تاکید قرار گرفته، هیات‌های رسیدگی و رکن استیناف نمی‌توانند در یافته‌ها و توصیه‌های خود به حقوق و تعهدات مقرر در موافقت نامه‌های تحت پوشش بیفزایند یا از آنها بکاهند. زمانی که رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در محدوده قواعد و رویه‌های موجود به حل اختلاف طرفین می‌پردازد در واقع به آن به عنوان نهادی نگریسته می‌شود که وظیفه‌اش تنها حل اختلاف طرفین با استفاده از مقررات ماهوی و شکلی حاکم بر حل اختلاف مطروحه محدود می‌گردد و نه به عنوان نهادی که در راستای حل اختلاف، اختیار ایجاد قواعد جدیدی داشته باشد که خارج از تعهدات طرفین تعریف گردیده

است. انتظاری که از رکن حل اختلاف سازمان در مجموعه سازمان جهانی تجارت می‌رود هم محدود به همین فرآیند است. در نگاه اول به عملکرد رکن حل اختلاف، آنچه به نظر می‌رسد وظیفه‌ای است که رکن مزبور در جریان حل اختلاف ایفاء نموده و با تصمیمی که برای حل اختلاف اتخاذ می‌نماید طرفین اختلاف متعهد به پذیرش آن شده و آثار آن تصمیم نیز به همان اختلاف و بین طرفین اختلاف ساری و جاری است. بر این اساس، بند ۲ ماده ۳ تفاهم نامه، مبین قاعده‌ی نسبی بودن آراء حل اختلاف می‌باشد که به موجب آن، رأی رکن حل اختلاف فقط نسبت به طرفین اختلاف و نسبت به همان اختلاف حاکمیت دارد و خارج از آن هیچ گونه الزامی نمی‌تواند ایجاد نماید. این رویکرد در بیشتر آراء رکن حل اختلاف مورد تاکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه، رکن استیناف در یکی از اولین تصمیماتش راجع به نوشیدنی‌های الکلی ژاپن، این رویکرد را با اشاره به ماده ۵۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأیید قرار داده است (Appellate body report).

بنابر این، آنچه که از صراحت تفاهم نامه حل اختلاف مستفاد می‌شود این است که مفاد تفاهم نامه نه هیات‌های حل اختلاف و نه رکن استیناف را به وضع قاعده از طریق تفسیر مقررات موجود در سازمان جهانی تجارت تشویق نمی‌نماید (Zarbiyev, 2012: 257). با این حال، این امر مانع از تفسیر و شفاف سازی قواعد مورد اختلاف در فرآیند حل اختلافات مطروحه نمی‌باشد پاراگراف ۲ ماده ۳ تفاهم نامه و قواعد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت ضمن معرفی نظام حل اختلاف سازمان به عنوان عنصر اصلی ایجاد اطمینان و قابلیت پیش بینی در مورد نظام تجارت چند جانبه، این نظام را در خدمت حفظ حقوق و تعهدات اعضاء به موجب موافقت نامه‌های تحت پوشش با استفاده از قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل عنوان می‌کند.

بدیهی است که مقررات حاکم بر سازمان و قابل اعمال در جریان حل اختلاف، به عنوان موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت، مانند قواعد حاکم بر سایر نظم‌های حقوقی به موجب معاهدات بین‌المللی دارای ابهامات و پیچیدگی‌های خاص خود بوده و برای روشن شدن ابهامات و پیچیدگی آنها، نیازمند تفسیر در صورت وقوع اختلاف

توسط رکن حل اختلاف می‌باشند. به هر روی نهاد حل اختلاف از این طریق می‌تواند ضمن حل اختلاف در توسعه حقوق بین‌الملل مشارکت داشته باشد.

رویه نهاد حل اختلاف

مبنای عملکرد رکن حل اختلاف مبتنی بر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت از جمله تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات می‌باشد. رکن حل اختلاف در جریان حل اختلافات مطروحه همواره پای بندی خود را به قاعده نسبی بودن آراء و گزارشات خود با استناد به بند ۲ ماده ۳ تفاهم‌نامه حل اختلاف مورد تاکید قرار داده است. رکن استیناف در یکی از گزارشات خود، هدف اصلی رکن حل اختلاف را حل اختلافات عنوان می‌نماید (United states-Measure, 1997: 19).

با این حال، رکن حل اختلاف در پاره‌ای موارد در عمل به گونه‌ای رفتار نموده است که حاکی از تمایل این نهاد به نقش‌آفرینی فراتر از وظیفه‌ی حل اختلاف تعبیر شده و مورد اعتراض برخی دولت‌ها تا حد کناره‌گیری آنها از تعیین اعضاء رکن استیناف گردیده و عملاً این نهاد را به صورت نیمه فلج در آورده است (United states trade representative, 2020: 1-174). قضایای متعددی وجود دارد که رکن حل اختلاف در حل اختلاف مطروحه با استفاده از کنشگری قضایی و با تاسی از سیستم حقوقی کامن‌لا به ایجاد حقوق و تعهدات جدید برای اعضاء بدون موافقت آنها متهم شده است. عملکرد رکن استیناف از این حیث از سه جنبه قابل بررسی است. یکی در زمینه تصمیماتی است که موجد «ایجاد قاعده» محسوب می‌شوند، یکی دیگر در زمینه تصمیماتی است که متضمن ترغیب در استناد به «قاعده سابقه» بوده و دیگر اینکه تصمیماتی می‌باشند که موجد «توضیح و تبیین مستندات و استدالات فرعی» در دعوا تلقی می‌شوند (Bahri, 2019: 9).

قضیه شرکت‌های دولتی بین آمریکا و چین در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴، مربوط به اختلاف راجع به تعریف اصطلاح «بخش عمومی» که موافقت‌نامه مربوط به «یارانه‌ها و اقدامات متقابل» تعریفی از آن ارائه نکرده، موضوع در دو دعوی مختلف در رکن استیناف مورد دو تفسیر متفاوت قرار گرفته که بیانگر ایجاد قاعده جدید از طریق تفسیر صورت گرفته

توسط رکن استیناف می‌باشد (Appellate Body Report, 2015). هم چنین در قضیه میگوهای صادراتی آمریکا و نیز در قضیه فولاد ضد زنگ بین آمریکا و مکزیک، رکن استیناف، استناد به یافته‌های سابق رکن حل اختلاف را تأیید نموده است (Appellate Body Report, 1998: 107-109). یا اینکه در قضیه مربوط به نثریات دوره‌ای کانادا، خدمات مالی آرژانتین و محصولات کشاورزی هند، گزارشات رکن استیناف به شکلی در توضیح و تبیین مستندات فرعی دعوا که مورد استناد طرفین نبوده، می‌باشند (Appellate Body report, 2015).

نهاد حل و فصل سازمان جهانی تجارت به عنوان بخشی از ساختار حقوق بین‌الملل

موجودیت نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مبتنی بر تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌باشد^۱ که این تفاهم نامه به عنوان یکی از موافقت نامه‌های اصلی ضمیمه موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت، اسناد تشکیل دهنده‌ی این سازمان محسوب می‌شوند. سازمان جهانی تجارت بعد از سازمان ملل متحد از نظر تعداد اعضاء و گستردگی، مهم‌ترین سازمان بین‌المللی به حساب می‌آید. موافقت نامه تأسیس سازمان به همراه توافق نامه‌های پیوست از جمله تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف به عنوان توافق نامه موجد نهاد حل اختلاف، موافقت نامه‌های بین‌المللی تلقی می‌شوند که در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل میان اعضاء در فرآیند مذاکره و امضاء قرار گرفته و لازم الاجرا شده و شرایط التزام کشورهای غیر عضو از طریق الحاق، به عنوان روش پیوستن کشورهای جدید به موافقت نامه‌های بین‌المللی، در نظام حقوق بین‌الملل به عمل می‌آید. نه تنها مؤسسين سازمان جهانی تجارت، دولت‌ها به عنوان شاخص‌ترین رکن ایجاد کننده و اجرا کننده مقررات حقوق بین‌الملل می‌باشند بلکه مقررات حاکم بر این سازمان هم از جنبه‌هایی مانند: شخصیت حقوقی، مسئولیت بین‌المللی، مصونیت و ... هم به لحاظ وظیفه و تخصص آن در حوزه تجارت بین‌المللی، این سازمان را تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل

۱. صدر بند ۱ ماده ۲ تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف در این مورد مقرر می‌دارد: «بدین وسیله رکن حل اختلاف به منظور اجرای این قواعد و رویه‌ها جهت اعمال مقررات مربوط به مشورت و حل اختلاف در موافقت نامه هی تحت پوشش تشکیل می‌شود».

قرار داده است. به طور کلی، این سازمان از دو جهت در برگیرنده مفهوم حقوق بین-الملل می‌باشد یکی به عنوان یک مرکز دائمی برای انجام مذاکرات بین دولت‌های حاکم و دیگری به عنوان یک همکاری سازمانی مشابه کنفرانس‌هایی که مطابق حقوق بین‌الملل سستی تأسیس شده‌اند (Lamy, 2006: 970). مضافاً اینکه، امروزه سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل عهده دار قسمت عمده‌ای از اداره امور روابط بین‌الملل در جامعه بین‌المللی به شمار می‌آیند که در کنار سایر تابعان حقوق بین‌الملل ساختار نظام حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. سازمان جهانی تجارت نیز به عنوان یک سازمان بین‌المللی با برخورداری از این وضعیت، نقش مهمی در تنظیم روابط بین-المللی در زمینه تجارت بین‌المللی ایفاء می‌نماید. اگر چه نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت خود یک سازمان بین‌المللی تلقی نمی‌شود و راساً از چنین موقعیتی در ساختار حقوق بین‌الملل برخوردار نمی‌باشد اما عملکرد این رکن از سازمان جهانی تجارت در جامعه بین‌المللی، به عنوان یکی از ارکان سازمان مذکور، مطابق مقررات حقوق بین‌الملل عمومی به مثابه عملکرد خود سازمان به حساب می‌آید (کمیسسیون بین حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۹۴: ۴۷). و به عنوان بخشی از ساختار حقوق بین‌الملل قلمداد می‌گردد. به صورت واضح‌تر اینکه، نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به عنوان رکن قضایی سازمان که عهده دار وظیفه‌ی سازمان در زمینه حل و فصل مسألت آمیز اختلافات میان اعضاء می‌باشد در واقع سردمدار مسئولیتی است که برخاسته از اصل حل و فصل مسألت آمیز اختلافات بین‌المللی بوده که به حقوق بین-الملل عام پیوند خورده و از طریق منشور ملل متحد این ماهیت را کسب کرده است (Lamy, 2006: 975).

نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی و توسعه دامنه اجرای مقررات بین‌المللی
آیین کار نهاد حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت مبتنی بر تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف سازمان می‌باشد. وظیفه این نهاد، حل اختلافات مطروحه مطابق موافقت نامه‌های تجاری دو یا چند جانبه‌ای می‌باشد که از آنها به عنوان موافقت نامه‌های تحت پوشش سازمان نام برده می‌شود. این موافقت نامه‌ها در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل و متأثر از محدودیت‌ها و قواعد الزام آور آن در پروسه معمول

انعقاد معاهدات بین‌المللی مورد مذاکره و به اجرا در می‌آیند و در صورت لزوم با رعایت همین استانداردها مورد تفسیر قرار می‌گیرند. با این حال، وجود برخی خصوصیت‌ها در سازمان جهانی تجارت این چالش را به وجود آورده است که وضعیت مذکور نسبت به رکن حل اختلاف به تبعیت از سازمان متبوع آن مورد ایراد قرار گیرد و به نهاد حل اختلاف و مقررات قابل اعمال در آن به عنوان یک رژیم حقوقی خاص و مستقل از مقررات حقوق بین‌الملل نگریسته شود. این چالش، ناشی از وضعیتی است که بر اثر به وجود آمدن حوزه‌های خاص در نظام حقوق بین‌الملل تحت عنوان رژیم‌های حقوقی خاص یا خود بسنده پدید آمده و باعث گردیده است به رژیم‌هایی مانند رژیم حقوقی حاکم بر سازمان جهانی تجارت به عنوان یک رژیم مستقل در نظام حقوق بین‌الملل در کنار سایر رژیم‌های مستقل نگاه شود که هر کدام از این رژیم‌ها تحت قواعد مربوط به خود از لحاظ قواعد اولیه و ثانویه و بدون رجوع به قواعد عام دیگر مسیر خود را ضمن تعامل با یکدیگر می‌پیمایند (Simma and Pulkowski, 2006).

به هر روی، با یک استثناء، نه تصمیمی و نه سندی در سطح سازمان جهانی تجارت و نه نویسندگان علمی یافت می‌شود که قواعد سازمان جهانی تجارت را بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل عمومی نداند (Pauwelyn, 2001: 583). به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که نهاد حل اختلاف به عنوان یک بخش تفکیک ناپذیر از یک سازمان بین‌المللی (سازمان جهانی تجارت) و به عنوان بزرگترین سازمان بین‌المللی بعد از ملل متحد از نظر تعداد اعضاء و گستردگی جغرافیایی با اعمال برخی از قواعد و مقررات حقوق بین‌المللی در حوزه حل و فصل اختلافات بین‌المللی، موجب گسترش و توسعه دامنه اجرای مقررات حقوق بین‌المللی در عرصه جامعه جهانی گردیده است.

نهاد حل اختلاف به عنوان یک بازیگر فعال در ساختار نظام حقوق بین‌الملل

نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به عنوان رکن فیصله اختلافات یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های بین‌المللی هم از لحاظ گستردگی و هم از لحاظ تعداد اعضاء، یکی از مهمترین نهادهای روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که متشکل از نمایندگان تمام اعضاء سازمان، یک نقش پررنگ در حوزه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

بین‌المللی در زمینه‌های تجاری در نظام حقوق بین‌الملل و در جامعه بین‌المللی ایفاء می‌نماید. در مورد این نقش به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود.

نهاد حل اختلاف به مثابه یک «رکن دیپلماتیک»

نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت متشکل از کلیه نمایندگان دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت به‌عنوان مسئول تشکیل هیات‌های حل اختلاف، رکن استیناف، تصویب‌کننده‌ی گزارشات این دو مرجع، ناظر بر اجرای قواعد سازمان و تجویز‌کننده تعلیق امتیازات با اعمال یک اجماع معکوس در جریان تصمیم‌گیری به مانند یک رکن دیپلماتیک عمل می‌نماید (Paine, 2018). این نهاد با مشارکت کلیه نمایندگان اعضاء راجع به اختلافات مطروحه و راهکارهای حل و فصل این اختلافات به بحث و مذاکره می‌پردازد و در نهایت از طریق ارکان خود یک تصمیم اخذ و با تأیید آن به عنوان رأی نهایی رکن حل اختلاف در اختیار تمام اعضاء قرار می‌گیرد. چنین خصوصیتی در مورد یک مرجع حل اختلاف در حوزه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی در عرصه بین‌المللی بی سابقه و بی نظیر می‌باشد. نظارت بر اجرای قواعد با مرکزیت رکن حل اختلاف از طریق داوری راجع به قواعد و مقررات قابل اعمال در مراجع حل اختلاف در انطباق با مقررات سازمان در جریان و پس از قضاوت مراجع حل اختلاف، از جنبه‌های بی بدیل رکن مزبور در مقایسه با سایر دیوان‌های بین‌المللی می‌باشد. به هر حال، تمرکز بر ادبیات رکن حل اختلاف در فرآیند حل اختلاف بیانگر این است که این عملکرد بیشتر از اینکه شبیه به روش یک دیوان بین‌المللی باشد شبیه یک مکانیزم دیپلماتیک است که خارج از عملکرد نهادهای قضایی بین‌المللی مانند هیات حل اختلاف و رکن استیناف صورت می‌گیرد (Paine, 2018).

نهاد حل اختلاف به عنوان یک رکن فعال در حوزه حل و فصل اختلافات تجاری

با وجود اجباری بودن مکانیزم صلاحیت اجباری نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و به تبع آن صلاحیت اجباری نهاد حل اختلاف و نیز التزام اعضای سازمان به حل و فصل منازعات خود در چارچوب این نظام، ولی این نظام، صلاحیت خود را

محدود نموده به گونه‌ای که خصوصیت اجباری بودن صلاحیت نظام حل اختلاف در رابطه‌ی میان اعضاء سازمان به تمامی اختلافات اعضاء سازمان تسری نداشته بلکه این صلاحیت اجباری محدود به اختلافات تجاری طرفین در محدوده‌ی موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت شده است و رابطه‌ی طرفین خارج از تعهدات آنان در چارچوب سازمان را شامل نمی‌گردد. کما اینکه نهاد حل اختلاف (رکن استیناف) در اختلاف بین دولت آمریکا و مکزیک در ارتباط با اختلاف آنان در نفت^۱ که در آن دولت آمریکا مدعی بود دولت مکزیک عوارض تبعیض آمیزی نسبت به واردات محصول خاصی از این کشور اعمال نموده صریحاً اعلام کرد که نظام حل اختلاف سازمان، قابل اعمال نسبت به اختلافات طرفین خارج از نظام سازمان نبوده و این سیستم ناظر بر اختلافات آنان در حوزه سازمان جهانی تجارت است (Lamy, 2018: 10). از طرف دیگر، در چارچوب نظام حل اختلاف این فقط کشورهای عضو سازمان هستند که می‌توانند اختلافات خود را به این مرجع ارجاع و یا اینکه طرف دعوا قرار گیرند. این حقوق به صورت برابر برای تمامی کشورهای عضو اعم از قوی، ضعیف، توسعه یافته و در حال توسعه برقرار می‌باشد. با این حال، نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به‌عنوان یکی از فعال‌ترین بازیگران نظام‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین-المللی از سال ۱۹۹۵ محسوب می‌شود که تا کنون ۵۹۲ اختلاف نزد آن مطرح شده که حدود ۳۵۰ مورد از آنها حل و فصل گردیده است.^۲

نهاد حل اختلاف به عنوان نهادی جدید در عرصه حل و فصل اختلافات بین‌المللی

نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مرکب از دو رکن می‌باشد. یکی رکن هیات حل اختلاف یا هیات رسیدگی و دیگری رکن استیناف. رسیدگی در نهاد حل اختلاف از زمانی شروع می‌شود که مرحله مشورت به پایان رسیده و طرفین از طریق مشورت موفق به حل اختلاف خود نشده و به روش‌های دیگر حل اختلاف نیز توافقی صورت نگرفته است. شروع به رسیدگی با درخواست دولت خواهان و تصویب رکن حل اختلاف، ابتداء، در مرجع بدوی یعنی هیات حل اختلاف به عمل می‌آید. این مرجع، ضمن تلاش برای حل موضوع از طریق سازش، برای رسیدگی به اختلاف مبادرت به تشکیل جلسه

1. NAFTA (North American Free Trade Agreement)

2. World Trade Organization, Dispute Settlement

رسیدگی و استماع اظهارات و دفاعیات طرفین می‌نماید. در صورت لزوم، هیات رسیدگی ممکن است موضوع را با کارشناسان متخصص مورد مشورت قرار دهد. رسیدگی در این مرجع در واقع یک رسیدگی دو مرحله‌ای است. هیات‌های رسیدگی بعد از برگزاری جلسه اول، بدو یافته‌های خود را در قالب گزارش اولیه صادر و به طرفین اعلام می‌دارند. در صورت وصول اعتراض، هیات مبادرت به تشکیل جلسه و استماع اظهارات طرفین کرده و سپس مبادرت به صدور گزارش نهایی می‌نماید. در صورت عدم وصول اعتراض به گزارش اولیه، همان گزارش به صورت نهایی به رکن حل اختلاف اعلام می‌گردد. با پایان گرفتن مرحله‌ی بدوی چنانچه گزارش مرجع بدوی مورد تقاضای تجدید نظر قرار گیرد رکن استیناف به عنوان مرجع تجدیدنظر، تقاضای تجدیدنظر را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در پایان مبادرت به اعلام نظر می‌نماید. قطعیت یافته‌های هر دو مرجع، مستلزم تصویب رکن حل اختلاف به عنوان نهاد حل اختلاف سازمان می‌باشد. با این وصف، ملاحظه می‌شود که نهاد حل اختلاف پس از ارجاع اختلاف به آن به مثابه یک مرجع قضایی وارد رسیدگی شده و اختلاف طرفین را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. ارکان حل اختلاف یعنی هیات‌های رسیدگی و رکن استیناف بر خلاف مراجع قضایی در مورد اختلاف مطروحه اتخاذ تصمیم و به صدور رأی نمی‌پردازند بلکه یافته‌ها و توصیه‌های خود را در مورد اختلاف در قالب گزارش به رکن حل اختلاف اعلام می‌کنند گزارش ارکان حل اختلاف در رکن حل اختلاف یا تأیید و یا با اجماع منفی رد می‌گردد. یافته‌های هیات حل اختلاف و رکن استیناف در صورت تصویب لازم الاجرا می‌شوند در غیر این صورت این گزارش‌ها به عنوان گزارشات غیر الزامی باقی می‌مانند. از این رو، می‌توان ماهیت نهاد حل اختلاف سازمان را یک ماهیت شبه قضایی جدید در حقوق بین‌الملل دانست که در کنار سایر روش‌های غیر حقوقی حل اختلاف، نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را تشکیل می‌دهند و جزئی از نظام حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

نهاد حل و فصل اختلافات و توسعه صلاحیت اجباری در نظام حل و فصل اختلافات حقوق بین‌الملل

بر خلاف سازمان ملل متحد که عضویت در آن مستلزم پذیرش صلاحیت اجباری رکن قضایی ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری، نمی‌باشد عضویت در سازمان جهانی تجارت منوط به پذیرش صلاحیت اجباری نظام حل و فصل اختلافات سازمان و به تبع آن نهاد حل اختلاف سازمان به عنوان یکی از ارکان نظام حل اختلاف سازمان می‌باشد. خصوصیت مزبور یکی از جنبه‌های نوینی است که در نظام حقوق بین‌المللی بی‌سابقه بوده و نظام حل و فصل اختلاف سازمان را از نظام حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی متمایز می‌نماید. هر یک از اعضای سازمان در صورتیکه به این نتیجه برسند که یکی از طرفین متعاقد، نقض عهد نموده بدون اینکه نگرانی از بابت رضایت دولت متخلف در ارجاع اختلاف به مرجع حل اختلاف داشته باشند اختلاف خود را نزد مرجع حل اختلاف مطرح می‌نمایند. علاوه بر این، شرط تحقق صلاحیت اجباری مرجع حل اختلاف سازمان، منوط به نقض تعهد نمی‌باشد. به عبارت دیگر، وقوع اختلاف از نظر سیستم حل اختلاف سازمان، مستلزم نقض تعهد نمی‌باشد گاهی ممکن است یکی از اعضاء مدعی شود بدون اینکه نقض پیمانی صورت گرفته باشد اقدامات طرف دیگر موجب لطمه و زیان به منافع وی شده است. اینگونه ادعاها در نظام حل اختلاف برای تحقق اختلاف و طرح اختلاف نزد مرجع حل اختلاف کافی بوده و مشمول صلاحیت اجباری نهاد حل اختلاف قرار می‌گیرند.

توسعه مراحل و مواعد دادرسی در نظام حقوق بین‌الملل

وجود مراجع بدوی و تجدید نظر و وجود مواعد معین در رسیدگی به اختلافات مطروحه نزد هر یک از مراجع بدوی و تجدیدنظر نهاد حل اختلاف، یکی از ویژگی‌های بی‌نظیر در سیستم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی در ساختار نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. نه تنها ساختار رسیدگی در نهاد حل اختلاف مبتنی بر رسیدگی نخستین و استینافی می‌باشد بلکه رسیدگی در مرحله نخستین خود مرکب از دو مرحله‌ی جداگانه می‌باشد. این شیوه‌ی رسیدگی هم موجب اعتماد و اطمینان اعضاء در رجوع به نهاد حل اختلاف می‌شود و هم موجب سرعت و دقت در فرآیند رسیدگی می‌گردد. هم چنین رسیدگی در ارکان مختلف نهاد حل اختلاف مقید به مواعد معینی می‌باشد که به عنوان روشی نوین در مقایسه با سایر مراجع حل و فصل اختلافات بین-

المللی در نظام حقوق بین‌الملل تلقی شده و کمک شایانی به تسریع در حل اختلافات مطروحه در نزد این نهاد می‌نماید. روش حل اختلاف، مواعد رسیدگی و ارکان نهاد مذکور که از آنها به عنوان توسعه در ساختار نظام حقوق بین‌الملل یاد می‌شوند به شرح ذیل می‌باشند.

مراحل و رویه حل اختلاف

تفاهم نامه حل اختلاف به عنوان نظام حل اختلافات سازمان جهانی تجارت، علاوه بر روش مشورت که به عنوان اولین گام در جهت پایان دادن به اختلافات شناخته می‌شود، متضمن سه روش برای حل اختلاف است. یکی روش حقوقی یا روشی که از طریق رکن حل اختلاف به واسطه هیات‌های رسیدگی و رکن استیناف به عمل می‌آید. بدین منظور ماده ۲ تفاهم نامه با عنوان «اجرا»، «رکن حل اختلاف»^۱ را برای اجرای قواعد و رویه‌های مورد عمل در تفاهم نامه پیش بینی کرده است. رکن حل اختلاف به عنوان نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، مسئولیت اجرای قواعد تفاهم نامه از ابتداء تا انتها را به عهده دارد.

توسل به روش‌های غیر حقوقی یا اختیاری، مانند: میانجی‌گری، مساعی جمیله و سازش از دیگر روش‌هایی می‌باشند که بعد از مشورت ممکن است به عنوان روش حل اختلاف به وسیله طرفین برگزیده شوند. انتخاب روش‌های مزبور هیچ‌گونه خدشه‌ای به حقوق طرفین در رجوع به سایر رویه‌های حل اختلاف وارد نخواهد کرد. مداخله مدیر کل سازمان در کمک به طرفین در جهت حل اختلاف از این طریق بلامانع شناخته شده است. در صورت توافق طرفین، استمرار روش‌های مزبور برای حل اختلاف در ضمن یا آغاز کار هیات حل اختلاف نیز ممکن می‌باشد.

رویه ارجاع اختلاف به داوری در چارچوب سازمان جهانی تجارت، به عنوان یک روش جایگزین نسبت به آیین عمومی حل اختلافات مطروحه در تفاهم نامه حل اختلاف، روش دیگر حل اختلاف در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت قلمداد می‌شود. توسل به روش مذکور برای حل اختلاف بعد از درخواست مشورت ممکن است به عمل آید. آرای داوری به رکن حل اختلاف و شورا یا کمیته موافقت نامه مربوط

1. Dispute Settlement Body (DSB)

(جهت اظهار نظر اعضا)، اطلاع داده خواهد شد. اجرای آرای داوری مورد تعهد طرفین بوده و تابع نظام ضمانت اجرا از حیث جبران و تعلیق امتیازات که در نظام حل اختلاف پیش بینی شده خواهد بود.

ارکان نهاد حل اختلاف

بند ۳ ماده ۴ موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت تحت عنوان ساختار سازمان، شورای عمومی سازمان را به عنوان یکی از ارگانهای تشکیل دهنده سازمان و متشکل از نمایندگان تمام اعضا، به عنوان رکنی معرفی نموده که یکی از مسئولیت‌های آن، ایفای وظیفه در مقام رکن حل اختلاف سازمان می‌باشد. بنابراین، ساختار رکن مزبور به عنوان نهاد حل اختلاف سازمان (از حیث مراجع رسیدگی) مطابق مقررات تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات به شرح ذیل می‌باشد:

هیات‌های رسیدگی

پس از وقوع اختلاف و طی روند «مشورت» به عنوان اولین گام پیش‌بینی شده برای پایان دادن به اختلاف پیش آمده در چارچوب نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و عدم حصول نتیجه از این طریق، طرح اختلاف نزد هیات‌های رسیدگی را می‌توان به عنوان آغاز فرآیند رسیدگی شبه قضایی برای حل اختلافات مطروحه میان اعضا سازمان دانست. چگونگی شکل‌گیری این مرجع بدین شرح می‌باشد:

الف) تشکیل هیات‌های رسیدگی: در صورتی که دولت خواهان با خواننده نتوانند اختلاف خود را از طریق «مشورت» و یا سایر روش‌ها از قبیل میانجیگری، مساعی جمیله، سازش و ... خاتمه دهند دولت خواهان می‌تواند درخواست تشکیل هیات رسیدگی را به عمل آورد. مرجع رسیدگی به این درخواست، شورای عمومی سازمان در قالب رکن حل اختلاف می‌باشد. رکن مزبور پس از وصول درخواست، در اولین جلسه خود در مورد آن اتخاذ تصمیم می‌نماید. در صورت تصویب رکن حل اختلاف، هیات رسیدگی برای رسیدگی به اختلاف مطروحه توسط رکن حل اختلاف از میان افراد واجد صلاحیت تشکیل و روند رسیدگی در این مرجع آغاز می‌گردد. دبیر خانه سازمان با مشورت طرفین اختلاف، اعضا هیات را تعیین خواهد کرد. در صورت عدم توافق

طرفین، مدیر کل سازمان جهانی تجارت با مشورت رییس رکن حل اختلاف و رییس شورا یا کمیته مربوط به انتخاب اعضای هیات رسیدگی اقدام می‌نماید (ماده ۸ تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات).

ب) ترکیب هیات‌های رسیدگی: هیات‌های رسیدگی مرکب از سه عضو می‌باشند. اعضای هیات از افراد با سابقه در امور سازمان جهانی تجارت که دارای حسن سابقه باشند انتخاب می‌شوند. اعضای هیات دارای تابعیت طرفین دعوا نخواهند بود مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق نمایند. تعداد اعضای هیات در صورت درخواست طرفین تا پنج نفر قابل افزایش می‌باشد. در صورتی که یکی از طرفین دعوا از کشورهای در حال توسعه و طرف دیگر از کشورهای توسعه یافته باشد در صورت درخواست کشور در حال توسعه، حداقل یکی از اعضای هیات رسیدگی از یک کشور در حال توسعه انتخاب می‌شود (بند ۱۰ ماده ۸ تفاهم نامه). در موردی که در ارتباط با یک مساله، خواهان‌ها متعدد باشند با رعایت حقوق همه طرفین ممکن است یک هیات رسیدگی برای رسیدگی به شکایات متعدد تشکیل شود (ماده ۹ تفاهم نامه).

ج) وظیفه هیات‌های رسیدگی: وظیفه هیات‌های رسیدگی یا هیات حل اختلاف کمک به رکن حل اختلاف در ایفای وظایفش در راستای حل اختلافات مطروحه و در چارچوب تفاهم نامه حل اختلاف سازمان می‌باشد. نحوه اجرای وظایف هیات‌های رسیدگی مبتنی بر روش‌های کاری هیات‌ها نسبت به طرف‌های اصلی و ثالث می‌باشد که با نشست هیات‌های رسیدگی آغاز و در یک پروسه زمانی مشخص با صدور گزارش نهایی خاتمه می‌یابد. روش کار هیات‌های رسیدگی به گونه‌ای است که در بند فوق توضیح داده شد. به هر حال، گزارش نهایی هیات‌های حل اختلاف به اطلاع تمام اعضای سازمان می‌رسد و قطعیت آن منوط به تصویب رکن حل اختلاف خواهد بود (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۰). رکن حل اختلاف در دو صورت گزارش نهایی هیات حل اختلاف را مورد تصویب قرار نمی‌دهد. یکی اینکه در صورتی که

گزارش مزبور مورد تقاضای تجدیدنظر قرار گرفته باشد و دیگر اینکه، رکن حل اختلاف به عدم تصویب گزارش به اجماع برسد (اجماع منفی) ^۱.

رکن استیناف

رسیدگی استینافی یا تجدید نظر از ابتکارات نظام حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌باشد. پیش بینی رسیدگی تجدید نظر نسبت به گزارش‌های هیات‌های حل اختلاف، رسیدگی رکن حل اختلاف را بیشتر به خصیصه‌ی رسیدگی‌های قضایی نزدیکتر کرده است (دژم خوی، ۱۳۸۹). رکن استیناف یک رکن دائمی مرکب از هفت نفر می‌باشد که به وسیله‌ی رکن حل اختلاف برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. انتخاب اعضاء برای یک دوره چهارساله دیگر بلامانع می‌باشد.

اعضاء رکن استیناف از افراد متخصص در تجارت بین‌الملل و زمینه‌ی موضوعی موافقت نامه‌های تحت پوشش سازمان انتخاب می‌شوند. وظیفه رکن استیناف رسیدگی به تقاضای استینافی از گزارش‌های نهایی هیات‌های حل اختلاف می‌باشد. رسیدگی به هر موضوع استینافی با حضور سه عضو به عمل می‌آید. حضور اعضاء در رسیدگی به موارد استینافی در رکن استیناف به صورت نوبتی بوده که نحوه نوبت دهی در رویه‌های کاری رکن استیناف تعیین می‌گردد. تقاضای استیناف از گزارش‌های نهایی هیات‌های حل اختلاف ابتدا مختص به طرفین اصلی اختلاف بود ولی با اصلاحاتی که در رویه کاری رکن استیناف در سال ۲۰۰۳ صورت گرفته این حق برای طرف‌های ثالث با توجه به داشتن منافع قابل توجه پیش بینی گردیده است. زمان رسیدگی در رکن استیناف به هر حال از ۹۰ روز تجاوز نخواهد کرد. رسیدگی استینافی محدود به موضوعات حقوقی مطروحه در گزارش هیات حل اختلاف، تفاسیر حقوقی به عمل آمده و به صورت محرمانه خواهد بود. گزارش رکن استیناف ممکن است در تأیید یا تغییر و اصلاح و یا نقض گزارش هیات حل اختلاف باشد. گزارش رکن استیناف نیازمند تصویب در رکن

۱. اجماع منفی روش جدید تصمیم‌گیری معمول در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت است که مطابق آن، اصل بر تصویب است مگر اینکه به عدم تصویب اجماع (بدون هیچ مخالفتی) شود.

حل اختلاف می‌باشد. این گزارش پس از تصویب در رکن حل اختلاف، طرفین بدون قید و شرط آن را قبول خواهند کرد و برای آنان لازم الاجرا خواهد بود. گزارش رکن استیناف ممکن است با اجماع اعضاء رکن حل اختلاف به تصویب نرسد (ماده ۱۷ تفاهم نامه و قواعد حاکم بر حل اختلافات).

توسعه مکانیسم اجرای آراء حل اختلاف در نظام حل و فصل اختلافات بین المللی

۲۰۱

یکی دیگر از نکات برجسته در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مداخله‌ی رکن حل اختلاف در اجرای آراء صادره از طریق نظارت و توصیه‌های لازم به طرفین در راستای اجرای آراء صادره می‌باشد. پیش بینی این ساز و کار باعث می‌شود تا طرفین متعاقد در سازمان جهانی تجارت نگرانی چندانی در این مورد نداشته باشند. مرحله‌ی اجرای آراء صادره از مراجع حل و فصل اختلافات بین المللی از نظر حقوقی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. فرآیند حل و فصل اختلاف زمانی کامل می‌شود که آراء صادره به مرحله‌ی اجرا در آیند در غیر این صورت جریان حل اختلاف عقیم می‌ماند. تجربه نشان داده است علی‌رغم صدور رأی در برخی مراجع حل اختلاف بین‌المللی که ارجاع اختلاف مبتنی بر رضایت طرفین به آن مرجع بوده، اجرای رأی با چالش مواجهه گردیده است اما این نقص مورد توجه بنیانگذاران سازمان جهانی تجارت قرار گرفته و در نظام حل اختلاف مرتفع شده است. به علاوه، روش پیش بینی شده برای اعمال اقدامات متقابل در مرحله‌ی اجرا موجب شده تا طرفین نتوانند به صورت خودسرانه به این مکانیزم متوسل شوند.

توسعه رژیم خود بسنده در نظام حقوق بین‌الملل

کثرت گرایي در نظام حقوق بین‌الملل باعث طرح مسأله‌ی رژیم‌های خود بسنده در این نظام گردیده است. رژیم مذکور برخاسته از وجود پدیده‌ای به نام حقوق خاص بوده که این پدیده نیز به نوبه خود برخاسته از دل پدیده‌ی وسیع‌تری از خود به نام حقوق عام می‌باشد. نمود این دو پدیده هنگامی که تعارضی بین قواعد این دو نظم حقوقی به وجود می‌آید بیشتر خود نمایی می‌کند. بر این اساس، در صورت وجود تعارض، قواعد حقوق



خاص بر حقوق عام مرجح بوده و برای حل تعارض ملاک عمل قرار می‌گیرد. این راه حل برگرفته از اصل معروف «حقوق خاص حقوق عام را تخصیص می‌دهد» می‌باشد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۸۹). بارزترین اثر پدیدار شدن رژیم‌های خود پسند در حقوق بین‌الملل پدید آمدن پدیده‌ای دیگر به نام انشقاق یا چند پارگی در حقوق بین‌الملل است (کخدایی و عابدینی، ۱۳۹۱). اهمیت پیدایش انشقاق و چند پارگی در حقوق بین‌الملل ناشی از آثار تکثر گرایی در این نظام موجب شده که این مساله در سال ۲۰۰۰ مورد توجه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد قرار گیرد. کمیسیون این مسئله را در طرحی موسوم به «انشقاق حقوق بین‌الملل: مشکلات ناشی از گوناگونی و گسترش حقوق بین‌الملل»^۱، مورد توجه قرار داده است. کمیسیون در این طرح ضمن بیان خطر ظهور پدیده انشقاق در نظام حقوق بین‌الملل ناشی از توسعه، تخصیصی شدن ... حقوق بین‌الملل، در بستر حقوق عام و خاص به تبیین موضوع پرداخته و تعامل این دو جنبه از حقوق بین‌الملل و تاثیرات آن‌ها بر یکدیگر را نیز خاطر نشان نموده است، سر انجام کمیسیون بعد از سال‌ها نتیجه گزارش گروه مطالعاتی خود را در این زمینه منتشر نمود در این گزارش مصادیق «رژیم‌های خود پسند»^۲ به عنوان «رژیم‌های خاص»^۳ در سه دسته، بدون ارائه تعریف خاصی از آن‌ها، بیان گردیده است. دسته اول، مربوط به رژیم‌های خود پسند در مفهوم مضیق آن می‌باشد. بر این اساس، خود پسندگی یک رژیم در زمینه‌ای از حقوق خاص در صورت نقض تعهدات و تخلف از مقررات آن (حقوق مسئولیت) نمود پیدا می‌کند مانند ضمانت اجرای پیش بینی شده در حقوق کنسولی و دیپلماتیک (عنصر نامطلوب) که در قضیه گروگان گیری بین آمریکا و ایران در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری مورد اشاره قرار گرفته است. دسته دوم، مربوط به بیان اوصاف رژیم‌های خود پسند در مفهوم نسبتاً وسیع ناظر بر حقوق و تعهدات قابل اعمال در یک موضوع خاص و مرتبط با یک منطقه خاص می‌باشد (مانند معاهده راجع به حمایت از یک رودخانه خاص). دسته سوم، ناظر بر مفهوم موسع رژیم خود پسند می‌باشد و آن در حالتی است که یک شاخه از حقوق بین‌الملل با وجود تمام قواعد اولیه

1. Fragmentation of international law: difficulties arising from the diversification and expansion of international law.

2. Self-contained

3. Special regimes

و ثانویه مورد نیاز در حوزه خود، در قالب یک «رژیم خاص»، خود را در حالت استغناء از رجوع به سایر قواعد موجود در نظام حقوق بین‌الملل عام می‌داند (حقوق بشر، محیط زیست، تجارت و...) (United Nations, 2013). کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۵۵ طرح پیش نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، این مسئله را در قالب حقوق خاص در دو شکل ضعیف و قوی استعمال کرده و از شکل قوی آن به عنوان رژیم خودبسنده یاد کرده است (ابراهیم گل، ۱۳۹۳).

از این رو، به هر شکل که به موضوع نگریسته شود و دلایل وجودی رژیم خودبسنده چه در لزوم وجود هر دو دسته از قواعد اولیه و ثانویه در یک رژیم خاص دانسته شود و چه اینکه به تبلور این پدیده منحصرأ در قواعد ثانویه قائل بود ملاحظه می‌گردد خصایص و ویژگی‌هایی که برای رژیم‌های خود بسنده تحت عنوان رژیم خاص برشمرده شده است در نهاد حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، البته، در قالب نظام حل و فصل اختلافات و در چارچوب سازمان جهانی تجارت، موجود می‌باشد و با توجه به اینکه رژیم‌های خاص به عنوان حقوق خاص، ریشه در حقوق عام داشته و در مراحل تکوین متأثر از محدودیت‌های حقوق عام و در مرحله اجرا و شفاف سازی لاجرم به رجوع به اصل خویش می‌باشند و لذا وجود پدیده‌ی انشقاق و خودبستگی مانع از تأثیر گذاری این دو زمینه از حقوق نسبت به یکدیگر نمی‌باشد. با این وصف، نهاد حل اختلاف نیز با دارا بودن خصایص مذکور از تأثیر گذاری و تأثیر پذیری از مجموعه نظام حقوق بین‌الملل مستثنی نبوده و پیش بینی این نهاد در چارچوب سازمان جهانی تجارت موجب توسعه مفهوم رژیم های خود بسنده در نظام حقوق بین‌الملل گردیده است.

تحول در آیین تصویب آراء رکن حل اختلاف در نظام حقوق بین‌الملل

آیین معمولی و مرسوم تصویب مصوبات در مجامع بین‌المللی مبتنی بر اجماع مثبت است. شرط تصویب در این روش، مبتنی بر اجماع مثبت کلیه اعضا می‌باشد که حتی در صورت وجود یک نظر مخالف، مصوبه مورد بحث به تصویب نهایی نمی‌رسد. این روش که در روش حل اختلاف گات نیز مورد عمل بوده طرف اختلافی که گزارش به سود او نبود می‌توانست با ابراز مخالفت، گزارش مرجع حل اختلاف را به بن بست

بکشاند اما نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مبتکر روش نوینی برای تصویب گزارشات رکن حل اختلاف گردیده که به اجماع منفی و یا معکوس معروف است^۱. به موجب این روش شرط لازم برای عدم تصویب گزارش، اجماع کلیه اعضاء می‌باشد که این اجماع هیچگاه به نتیجه نمی‌رسد زیرا در هر گزارش یک طرف اختلاف معمولاً به اصطلاح برنده دعوا محسوب می‌شود و این طرف با ابراز نظر مخالف خود مانع عدم تصویب می‌شود. به عبارت دیگر، برای تصویب گزارش وجود یک رأی مثبت کافی می‌باشد^۲. این روش اعلام رأی در نظام حقوق بین‌الملل بی‌سابقه بوده که روش معمول تصویب مصوبات در حقوق بین‌الملل را متحول نموده و به حل اختلافات تجاری میان اعضاء سرعت بخشیده و آن را تسهیل نموده است. مبتکر این روش، نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌باشد که می‌توان از آن به عنوان توسعه حقوق بین‌الملل در حوزه حل و فصل اختلافات بین‌المللی نام برد.

ایجاد سلسله مراتب رسیدگی به اختلافات در نظام حل و فصل اختلافات حقوق

بین‌الملل

همانگونه که عنوان گردید یکی از ابتکارات نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت ایجاد یک سیستم حل و فصل اختلاف مبتنی بر دو مرحله رسیدگی، بدوی و استینافی، می‌باشد. این روش رسیدگی نه تنها از حیث ایجاد یک دادرسی چند مرحله‌ای در حوزه حقوق بین‌الملل حائز اهمیت بوده و از آن می‌توان به عنوان یک تحول در حوزه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در نظام حقوق بین‌الملل نام برد بلکه روش مذکور متضمن یک نوآوری دیگر در نظام حقوق بین‌الملل قلمداد می‌گردد که کمک شایانی به دقت در رسیدگی‌ها می‌نماید. در این سیستم رسیدگی دو مرحله‌ای، بدوی و تجدیدنظر، دو رکن حل اختلاف، یعنی هیات‌های رسیدگی و رکن استیناف، عهده دار رسیدگی به حل اختلافات مطروحه نزد این نهاد می‌باشند. چنانچه آراء هیات‌های حل اختلاف مورد تجدیدنظر قرار گیرد رسیدگی به درخواست تجدیدنظر در رکن استیناف به عمل می‌آید. رکن استیناف در رسیدگی استینافی ممکن است یافته‌ها و نتیجه

1. Negative or river consensus

2. The process – Stages in a typical WTO dispute settlement case: www.world Trade Organization

گیری‌های حقوقی هیات رسیدگی را تأیید کند تغییر یا وارا نه نماید.^۱ اختیاراتی که مطابق توافق نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف به رکن استیناف برای دخل و تصرف در یافته‌های هیات حل اختلاف داده شده حکایت از وجود یک سلسله مراتب دادرسی در ساختار سیستم حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت تحت عنوان مراجع حل اختلاف عالی و تالی دارد. به عبارت دیگر، پیش بینی رکن استیناف در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت متضمن ایجاد یک ساختار دادرسی مبتنی بر سلسله مراتب برای اولین بار در حقوق بین‌الملل می‌باشد (Rai, 2007). این دستاورد در ساختار نظام حل و فصل اختلافات حقوق بین‌الملل یک نوآوری تلقی می‌شود که مرهون نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بوده و موجب رشد و گسترش این حوزه از حقوق بین‌الملل شده است.

توسعه حقوق بین‌الملل ناشی از تحول در استناد به رویه سابق حل اختلاف

در برخی نظام‌های حقوقی خصوصاً کشورهای که از نظام حقوقی کامن لا تبعیت می‌کنند دیوان عالی نقش ویژه‌ای در تفسیر قانون اساسی یا دیگر اصول بنیادین جامعه ایفاء می‌نماید. رویه‌ی قضایی در این نظام‌ها عمدتاً از طریق تفسیر ایجاد می‌گردد تا از طریق فیصله دادن به یک دعوای ساده. اینگونه نظام‌ها از طریق رویه قضایی یک نظم حقوقی ایجاد می‌کنند که در موارد مشابه برای مراجع قضایی مورد عمل قرار می‌گیرد. علاوه بر این، اطمینان و قابل پیش‌بینی بودن رویه قضایی، برای افراد، مشاغل و بازیگران جامعه، اعتماد فراهم نموده و می‌دانند که قانون چیست و چگونه اعمال می‌شود. اما در عرصه حقوق بین‌الملل حکایت دیگری است در این عرصه یک دیوان عالی وجود ندارد بلکه یک سری دیوان‌های بین‌المللی و یا ارگان‌های قضایی و یا شبه قضایی وجود دارند که با صلاحیت بین‌المللی خاصی یک نقش مشابه در حقوق بین‌الملل ایفاء می‌نمایند. تصمیمات قضایی اینگونه دیوان‌های بین‌المللی در زمره منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند. اینگونه تصمیمات به جز بین طرفین اختلاف و در همان مورد الزام آور نیستند. با این حال، هیچ قاعده‌ای برای وجود رویه قضایی یا الزام آور بودن آن در حقوق بین‌الملل وجود ندارد (Bacchus and Lester, 2020). با وجود اتفاق نظر جهانی مبنی بر

۱۵. بند ۴ ماده ۱۶ و بند ۱۳ ماده ۱۷ تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف.

عدم وجود رویه قضایی در حقوق بین‌الملل اما این اتفاق نظر به صورت گسترده وجود دارد که آراء قضایی بین‌المللی در موارد مشابه می‌توانند در حل اختلافات مطروحه مفید و مؤثر باشند. از این رو، هر اختلاف در حقوق بین‌الملل بر اساس واقعیات و مستندات آن اختلاف مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود شرط لازم برای اجرای دکترین رویه قضایی در یک سیستم حقوقی، وجود یک سلسله مراتب قضایی در سطح مراجع قضایی به‌عنوان دادگاه‌های عالی و تالی است. عدم وجود چنین سیستمی در حقوق بین‌الملل و نیز الزام آور بودن هر تصمیم قضایی فقط نسبت به طرفین آن تصمیم و در همان مورد، اعمال این دکترین در حقوق بین‌الملل را غیر قابل اجرا نموده است (Rai, 2007). با این حال، در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز اگر چه رویه‌های قضایی همچون رویه‌هایی که در نظام‌های داخلی اعمال می‌شود نمی‌تواند وجود داشته باشد اما شرایطی که در نظام حل اختلاف سازمان پیش بینی شده از جمله ایجاد یک سیستم حل اختلاف مبتنی بر سلسله مراتب و لزوم عدم مغایرت تفسیرهای ارکان حل اختلاف با یافته‌های سابق خود به عنوان ضامن برقراری هماهنگی و قابلیت پیش بینی نظام تجاری و هم چنین اجازه‌ای که موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت در استفاده از تصمیمات، رویه‌ها و عملکرد عرفی طرف‌های متعاقد گات ۱۹۴۷ (بند ۱ ماده ۱۶)، به عنوان راهنمای تجارت جهانی داده به عنوان عواملی تعبیر می‌شوند که راه را برای اعمال دکترین رویه قضایی در نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت هموار نموده‌اند (Rai, 2007). استفاده گسترده ارکان حل اختلاف از رویه‌های سابق از جمله از رویه‌های گات در آراء و تصمیمات هیات‌های حل اختلاف و رکن استیناف علاوه بر اینکه در پیشبرد اهداف سازمان، امنیت و قابلیت پیش بینی فعالیت‌های تجاری در سازمان جهانی تجارت حائز اهمیت بوده بلکه به نظریه اعمال رویه قضایی در رکن حل اختلاف بر خلاف مصرحات موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان دامن زده است. رکن استیناف در تصمیم خود در قضیه ژاپن مربوط به نوشیدنی‌های الکلی گزارشات تصویب شده هیات رسیدگی به عنوان تشکیل دهنده بخش مهمی از مقررات گات می‌داند که اغلب برای هیات رسیدگی در موارد مشابه بعدی مورد توجه قرار می‌گیرند. رکن استیناف در این

مورد حتی گزارشات غیر مصوب هیات رسیدگی را به عنوان راهنمای مفیدی در موارد مشابه بعدی معرفی می‌نماید.^۱ رکن استیناف در قضیه میگو، مربوط به آمریکا یا تأیید استدلال قبلی خود و گسترش این استدلال نسبت به یافته‌های خود، استناد رکن حل اختلاف به یافته‌های رکن استیناف در این قضیه را مورد تأیید قرار داده و خاطر نشان کرده که انتظار می‌رود که هیات‌ها، تصمیمات قبلی استیناف را در مواردی که مربوط به اختلاف بعدی است در نظر بگیرند.^۲ رکن استیناف در برخی قضایای دیگر مانند قضیه الوار چوب مربوط به آمریکا و قضیه کتان مربوط به اتحادیه اروپا اعمال یافته‌های قبلی خود را در این قضایا مورد حمایت قرار داده است. این عملکرد رکن اختلاف در اعمال یافته‌های سابق خود در موارد مشابه بعدی به عنوان شکلی غیر رسمی از رویه قضایی تعبیر شده است (Bhala, 1999). به این ترتیب برای پایان دادن به این وضعیت و مجوز اعمال رویه سابق حل اختلاف در اختلافات بعدی به طور رسمی، اصلاح تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف پیشنهاد گردیده است (Bhala, 2000). به هر حال، بررسی قضایای مطروحه در رکن حل اختلاف نشان می‌دهد که رکن استیناف به نظر برخی اعضاء سازمان جهانی تجارت به تدریج به سمت گسترش قدرت الزام آوری تصمیمات سابق خود گام بر می‌دارد (David, 2009).

نتیجه‌گیری

هر چه به سمت الزامی شدن قواعد حقوق بین‌الملل، گسترش دامنه اجرای قواعد آن در میان تابعان بیشتری از حقوق بین‌الملل و دستیابی به روش‌های ضمانت اجرای فوری و قوی‌تر در مقابل تخلف از مقررات حقوق بین‌الملل در سطح جامعه بین‌المللی حرکت نماییم به اهداف توسعه‌ای مجموعه نظام حقوق بین‌الملل بیشتر دست یافته‌ایم. نهاد حل اختلافات سازمان جهانی تجارت به عنوان یکی از نهاد های روابط بین‌الملل در رویه نشان داده که می‌تواند در تحقق فرآیند توسعه حقوق بین‌الملل مشارکت داشته باشد. نهاد مزبور علی‌رغم محدودیت‌های اساسنامه‌ای خود، در این مسیر با اعمال برخی مقررات حقوق بین‌الملل عام در جریان حل اختلاف، به عنوان بخشی از ساختار کلی نظام حقوق بین‌الملل و به عنوان یک بازیگر جدید در نظام حل و فصل اختلافات

1. Japan-Alcoholic Beverages II
2. US-Shrimp

تجاری، موفق عمل کرده است. این نهاد به عنوان نهادی در زمینه فیصله مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی به طور عام و به عنوان نهاد حل و فصل اختلافات تجاری میان اعضاء سازمان به طور خاص، در زمینه‌های ساختاری و در برخی مفاهیم، حقوق بین-الملل را به نحو کم نظیر یا بی‌نظیری متحول نموده است. نهاد حل اختلاف، از یک سو، در قامت یک نهاد شبه قضایی با استناد به قواعد حاکم بر حل اختلاف و با استفاده از ابزار تفسیر و به کارگیری قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، ابهامات ناظر بر تعهدات مورد اختلاف را بر طرف نموده و از طریق ایجاد رویه‌های حل اختلاف در توسعه ماهیت و محتوای حقوق بین‌الملل ایفای نقش نموده است از دیگر سو، نظام حل اختلافات سازمان جهانی تجارت با پیش‌بینی یک مکانیسم جدید از نظر ساختاری، و نیز با پیش‌بینی قواعد و مقررات قابل اعمال مربوط به خود، مبتکر یک نظام نوین رسیدگی در چارچوب مجموعه نظام حقوق بین‌الملل عمومی گردیده که ساختمان و ساختار حقوق بین‌الملل را دچار تحول کرده و توسعه داده است. با اینکه مطابق سند موجد نهاد حل اختلاف، وظیفه نهاد مذکور به حل اختلافات تجاری میان اعضاء محدود شده است ولی این نهاد در رویه خود با کنشگری قضایی و حرکت به سمت ایجاد نوعی رویه ی واحد و یکسان در رسیدگی به اختلافات، هم به شفاف سازی قواعد حاکم بر سازمان به عنوان بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل عام جامه عمل پوشانیده و هم سردمدار تحولی در این زمینه شده که می‌توان آن را به نوعی به مفهوم ایجاد سابقه قضایی در حقوق بین‌الملل تعبیر نمود. نهاد حل اختلاف با پیش‌بینی مراحل بدوی و استینافی رسیدگی، زمان رسیدگی‌ها را تعریف کرده، نحوه رسیدگی به اختلافات بین‌المللی را در عرصه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی دگرگون نموده، سرعت به همراه دقت در رسیدگی‌ها را بالابرده و قابلیت اعتماد به دادرسی‌ها را افزایش داده است. نهاد حل اختلاف با صلاحیت اجباری که نسبت به اعضاء سازمان در جریان حل اختلاف ایفاء می‌نماید موجب الزامی شدن قواعد حقوق بین‌الملل در حوزه وسیعی از جامعه بین‌المللی شده و از این حیث اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را گسترش داده است. توسعه مفهوم رژیم‌های خود بسنده در حقوق بین‌الملل با پیش‌بینی نهاد حل اختلاف در نظام حقوق بین‌الملل پررنگ‌تر شده و گسترش یافته است. نهاد مزبور در رویه ی خود، اجرای احکام صادره را در حوزه نظم سازمان جهانی تجارت به عنوان بخشی از ساختار نظام حقوق بین‌الملل، با مداخله ی خود تضمین نموده و توسل به اقدامات

متقابل را در این زمینه، قاعده مند کرده است. آخر سر اینکه با ایجاد قاعده اجماع منفی در نحوه ی رای گیری در رویه نهاد حل اختلاف، خطر به بن بست کشانیدن تصویب آراء نهاد حل اختلاف، توسط طرف بازنده از طریق ابراز نظر مخالف (بر اساس رویه سابق مبتنی بر اجماع مثبت)، بر طرف شده و در مجموع نهاد حل اختلاف سازمان جهانی تجارت موجب توسعه حقوق بین الملل در موارد مذکور گردیده است

منابع

۲۰۹ ابراهیم گل، علی رضا (۱۳۹۳)، **مسئولیت بین المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل**، چاپ ششم، تهران: انتشارات شهر دانش.

حبیبی، همایون و شاملو، سوده (۱۳۹۲)، «نقش دیوان بین المللی دادگستری در توسعه ی حقوق بین الملل»، فصلنامه ی پژوهش حقوق عمومی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۴۱.

دژم خوی، غزاله (۱۳۸۹)، **نظام حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت**، در کتاب: **نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و موافقت نامه ها**. چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (۱۳۹۰)، **سازمان جهانی تجارت**، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۸۹)، «رژیم های خودبسنده و مناسبات آنها با حقوق بین الملل عام»، **مجله حقوقی بین المللی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۲.

کدخدایی، عباسعلی و عابدینی، عبدالله (۱۳۹۱)، «اوصاف خودبسنده ی نظام سازمان جهانی تجارت در نظام حقوقی بین المللی»، **مجله حقوقی بین المللی**، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۶۰.

کمیسیون بین حقوق بین الملل سازمان ملل متحد (۱۳۹۴)، **حقوق مسئولیت سازمان های بین المللی**، ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین الملل. ترجمه: عبدالله عابدی و خلیل روزگاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.



- Appellate body report, japan- alcoholic beverage II, WTO/DS&/AP/R, WTO/DS10/AB/R, WTO/DS11/AB/R, para 107-108, interestingly with reference to act 59 of the statute of the ICJ
- Bacchus, James, and Lester, Simon (2020), "The rule of precedent and the role of the appellate body," **Journal of World Trade**, 54.2.
- Bahri, Amrita (2019), "'Appellate Body Held Hostage': is judicial activism at fair trial?," **Journal of World Trade**, 53.2.
- Bhala, Raj (1999), "The precedent setters: de facto stare decisis in WTO adjudication (Part Two of a Trilogy)," **J. Transnat'l L. & Pol'y**, 9.
- Bhala, Raj (2000), "Power of the Past: Towards De Jure Stare Decisis in WTO Adjudication (Part Three of a Trilogy)," **Geo. Wash. Int'l L. Rev**, 33.
- David, Felix (2009), **The Role of Precedent in the WTO-New Horizons?**, NewHorizons.<http://www.law.unimass.nl/maastrichtworkingpapers>
- Japan-Alcoholic Beverages II, Appellate Body Report, WT/DS8/AB/R, WT/DS10/AB/R, WT/DS11/AB/R, paras, 107-108, interestingly with reference to Art, 59 of the Statute of the ICJ
- Kelly, J. Patrick (2001), "Judicial activism at the World Trade Organization: Developing principles of self-restraint," **Nw. J. Int'l L. & Bus**, 22.
- Lamy, DG Pascal (2018), **Speeches: The Place of the WTO in the International Legal Order**. Available At: www.wto.org/english/news_e/sppl_e/sppl94_e.htm
- Lamy, Pascal (2006), "The Place of the WTO and its Law in the International Legal Order," **The European Journal of International Law**, 17.5.
- Paine, Joshua (2018), "The Functions of the WTO's Dispute Settlement Body: A Distinctive Voice Mechanism," Society of International Economic Law (SIEL), Sixth Biennial Global Conference.
- Pauwelyn, Joost (2001), "The Role of Public International Law in the WTO: How far can we go?" **American Journal of International Law**, 95.3.
- Rai, Sheela (2007), "Doctrine of Precedent in WTO," **Indian Institute of Foreign Trade**.
- Simma, Bruno, and Pulkowski, Dirk (2006), "Of planets and the universe: self-contained regimes in international law," **European Journal of International Law**, 17.3.
- The process – Stages in a typical WTO dispute settlement case: [www.world Trade Organization](http://www.worldtradeorganization.org)
- United Nations (2013), "Report of Commission to the General Assembly on the Work of its fifty-eight session, Yearbook of the international law

- commission”, New York and Geneva, Vol. 2, Part 2, 179, www.legal.un.org.
- United states-Measure affecting imports of woven wool shirts and blouses from India, WT/DS33/AB/R, report of the appellate body of 25 April 1997, 19.
- US-Shrimp, Appellate Body Report, Art. 21.5 Malaysia, WT/DS58/AB/R, paras. 107-109.
- World Trade Organization, Dispute Settlement, www.wto.org
- Zarbiyev, Fuad (2012), “judicial Activism in International Law-A Conceptual Framework for Analysis”, journal of International Dispute Settlement, 2. doi: 10.1093/jnl

۲۱۱



تبیین نقش نهاد حل
اختلاف سازمان
تجارت جهانی در
توسعه حقوق بین-
الملل